هور اصفهانی

امینی، جعفر

روز شنبه 5 شوال 1387 هجری مطابق با 16 دیماه 1346 شمسی فرزانه‏ای روی در نقاب‏ خاک کشید که مرگ او دریغ و فسوس فراوان درپی داشت او سید علی بدیع‏زاده متخلص‏ به هور فرزند حاج میرزا عبد الحسین درب امامی،نواده دختری عالم جلیل حاج میرزا بدیع درب امامی اصفهانی بود که در رمضان 1330 در شهر هنرخیز اصفهان متولد شد هور در فنون شاعری و بخصوص در فن ماده تاریخ‏سرائی به حساب حمل‏"ابجد"

در عصر ما درخشندگی خاص داشت.

هور پس از تحصیلات مقدماتی جامع کارگری بر تن کرد و برای تامین زندگی خود در کارخانه وطن اصفهان به کار پرداخت و بر اثر استعداد خداداد طراح نقشه‏های پتو و پارچه‏های مختلف در کارخانه‏های وطن و زاینده‏رود شد.

آقای مصلح الدین مهدوی درباره او مینویسد:"هور در ضمن کارهای خسته‏کننده‏ روزانه بتکمیل تحصیلات خویش همت گماشته و سه زبان عربی-فرانسه-و آلمانی را فرا گرفته و برای رفع آلام خویش بمتابعت از طبع خداداد و استعداد ذاتی لب بسرودن اشعار گشوده در کلیه فنون شعر قادر و خصوصا"ماده تاریخ را نیکو میسراید و در این فن از تمام‏ معاصرین خود مقدم است و الحق در گفتن ماده تاریخ قدرت طبع عجیبی دارد 28 قصیده‏ تاریخچه ساخته که تمام مصرع‏های آن تاریخ است‏1".از آثار هور جزوه کوچکی بنام‏ تحفة المسلین به چاپ رسیده که متأسفانه نایاب است و مرحوم میرزا عباسخان شیدا در مقدمه‏ای بر آن مینویسد:"...پس از مشاهده سه مدحیه هور هر ناظری با بنده رطب- اللسان خواهد شد که الحق نابغه زمان است و خرید و وحید این دوران زیرا چهارصد شعر مدیحه گفتن که تماما"ماده تاریخ باشد و یکهزار و سیصد و شصت و شش درآید تصور نمیکنم‏ در قوه احدی باشد...".

(1)-تذکره شعرای معاصر اصفهان-چاپ 1334.

هور در مقدمه‏ای که برای جلد اول لمعات حسینی نگاشته درباره قصیده‏ای که در ولادت امام حسین سروده میگوید مرا با این قلم شکسته قدم مرکب مرکب بسته وحد آنکه‏ در مصاف دلاوران سترک این پهنه و پهلوانان این صحنه بتوانم لاف هماوردی زد نیست... این بنده را در میلاد آن حضرت صلوات الله علیهم چکامه‏ای تاریخیه‏ای است مشتمل بر یکصد و بیست و هشت بیت که برابر حروف نام نامی آن بزرگوار است..."

هور در اول این قصیده مینویسد:از آثار بدیع طبع سید علی-بدیع‏زاده هور (1375)یک بیت از این چامه شمسی و یکی قمری 1375.

قصیده ماه خورشید-1375.

ولادت پنجمین معصوم یا سیمین امام مسلمین 1335

و مطلع قصیده چنین است:

دی کان فرشته حسن نکوسیما 1375 پیک خجسته جاه مبارک پا 1375 از راه وصل و تهنیت عیدم 1335 آمد چو بخت مقبل من پیدا 1335

هور در این قصیده که 128 بیت و هر مصراع آن ماده تاریخی است بعنوان فوق قدرت‏ و خلاقیت طبع خدادادی خود را باوج میرساند و در پایان قصیده میگوید که جز نشاط محتشم و ناطق-دو تن توانسته‏اند قدم در این راه گذارند و منتقدانرا فرامیخواند که‏ اگر میتوانند قدم بمیدان نهند که این گوی و این میدان-امید است دانش‏وران اصفهانی‏ به کمک بازماندگان آنمرحوم آثار جاویدان او را به زیور طبع بیارایند.

در پایان چند بیت از قصیده‏ای که در بعثت حضرت رسول سروده و تمام مصراع‏های‏ آن به حساب حروف ابجد برابر با 1366 میشود نقل می‏شود:

سپهر پیر شد از بوی عید تازه‏جوان‏ دمیده در تن هستی ز باده نامیه جان‏ سرور و مجد عیان است از سماک و سمک‏ نعیم روح نهان است در زمین و زمان‏ طرب‏فزا شده امروز دور دهر عجب‏ حزن زدا شده امروز خطه امکان‏ دهن هنوز بننموده باز غنچه ز باد که ابر جامه دریده است و نار بن دامان‏ ز لاله روی چمن گشته محفل مانی‏ ز ژاله حجرد من گشته سینهء عمان‏ چمن اگر ز سمن شد چو شهپر طاوس‏ سمن اگر بد من شد چه وجه هفت الوان‏ سزد که این شده رشک جنان به جلوه‏گری‏ بود که آن شده صدره زمانیش رجحان.. الا شهنشه اقلیم دل پیمبر راد که آب داد تو برد آب اسم نوشروان... ز درگه کرمت می نمیرود نومید چو هور هرکه به عهدت نهد سر از پیمان‏ سروده‏ام سی‏وشش فرد با حساب بیاب‏ ز سال هجری هر مصرعش بطول زمان

(1)-مقدمه لمعات حسینی جلد اول ص 6 چاپ 1337.